قلمرو در مسکن حاشیه کویری ایران

(مطالعه موردی: محدوده قلمروها در مسکن سه دوره شهر عقدا)

علیرضا عینی‌فر *، الهام فلاح **

تاریخ دریافت مقاله:	1395/02/05
تاریخ پذیرش مقاله:	1396/01/19

چکیده

مفهوم قلمرو از جمله عوامل تأثیرگذار بر کیفیت ارتباط انسان با محیط است و سازماندهی آن موجب تأمین برخی از نیازهای انسان از قبیل هویت، انگیزش و امنیت می‌شود. پیشینه نظری موضوع نشان می‌دهد که دو دسته عوامل مرتبط با کالبد و رفتار کاربر در بستری اجتماعی- فرهنگی برمحدوده قلمروها تأثیر می‌گذارند. بنابراین با توجه به عوامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری قلمروها، محدوده قلمروهای کالبدی، تحت تأثیر عوامل مرتبط با کالبد و محدوده قلمروهای رفتاری، تحت تأثیر رفتار کاربران است. پژوهش حاضر با انطباق قلمروهای کالبدی و رفتاری در سه دوره مسکن حاشیه کویر ایران، به‌دنبال تعیین مفهوم و محدوده قلمروها در هر دوره می‌باشد. برای این منظور عقدا به‌عنوان نمونه‌ای مناسب از شهرهای حاشیه کویری ایران انتخاب شد. روش پژوهش، کیفی است. در سطح تدابیر از پرسشنامه‌های کیفی، مصاحبه‌های عمیق و ثبت مشاهدات استفاده شده و یافته‌های حاصل با استفاده از روش استدلال منطقی تحلیل شده‌اند. نتایج پژوهش علاوه بر مشخص کردن محدوده قلمروها در هر دوره و تغییرات آن در طول سه دوره، نشان می‌دهد که ساکنان حاشیه کویر، عوامل کالبدی و مرزهای فیزیکی را ساز و کار تأمین قلمرو خصوصی فرد نمی‌دانند و از ابزارهای کلامی و زبان بدن برای تأمین و نظارت بر قلمرو خصوصی خود استفاده می‌کنند. در مورد قلمرو خصوصی خانواده نیز این مردم هنوز ترجیح می‌دهند به‌صورت فصلی و چند عملکردی از فضاهای باز و نیمه باز استفاده کنند و بی‌توجهی به این موضوع موجب حذف بسیاری از کارکردها و یا تغییر آن‌ها شده و شیوه زندگی مردم را به اجبار تغییر داده است. قلمرو خصوصی گروه نیز چندان تحت تأثیر تقسیمات فضایی مسکن امروز نیست و متناسب با میزان صمیمیت افراد با یکدیگر و شرایط آسایش محیطی و امنیت فضاها شکل می‌گیرد. به‌صورت کلی مطالعات انجام شده در این پژوهش تلاش کاربر را در جهت حفظ رفتارهای جاری در فضا با وجود تغییرات کالبدی نشان می‌دهد و بر لزوم توجه مضاعف به رفتارهای ساکنان در تعیین محدوده قلمروها تأکید می‌نماید.

واژگان کلیدی: قلمرو کالبدی، قلمرو رفتاری، محدوده قلمروها، مسکن قدیم، میانی و جدید، مسکن حاشیه کویری.

* استاد معماری، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.

** دانشجوی دکترای معماری، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران. elhamfallah@ut.ac.ir

مقدمه

مسکن را می‌توان به‌صورت فضاهای مجزا از هم درنظر گرفت که در آن افراد با روابط صمیمی گرد هم می‌آیند و نوعی اجتماع بین شخصی به‌وجود می‌آورند. این اجتماع نسبت به دنیای خلوت تک تک افراد از میزان کمتری از خلوت برخوردار است. بنابراین فضاهای خصوصی، نیمه خصوصی و گاهی نیز نیمه عمومی در ارتباط با مسکن شکل می‌گیرند. علاوه بر آن مسکن، فرد را به محیط خود مرتبط و به آن پایبند می‌سازد و باید توازنی مابین در جمع بودن و خلوت گزینی ایجاد نماید (بحرینی، 1378، 21). روش ایجاد این توازن فراهم آوردن سلسله مراتبی تعریف شده از فضاهای عمومی، نیمه عمومی، نیمه خصوصی و خصوصی است که مانع ایجاد مزاحمت از سوی سایرین شود (عینی‌فر، 1379، 110). علاوه بر آن مطالعات نشان می‌دهد که بسیاری از نیازهای انسان از جمله نیاز به امنیت فضایی، روابط اجتماعی، خوانایی، خلوت، حرمت انسانی و غیره، جز با عرصه‌بندی محیط زندگی قابل تأمین نیستند و عرصه‌بندی محیط‌های مسکونی نیز نیازمند سلسله مراتب فضایی، عملکردی و اجتماعی می‌باشد که با مفهوم قلمرو ارتباطی ناگسستنی دارد (عینی‌فر و آقالطیفی، 1390، 18). همچنین امروزه الگوهای رفتاری در بسیاری از موارد با کالبد بنا هماهنگ و سازگار نیستند و محدوده قلمروهایی که توسط رفتار کاربران (قلمروهای رفتاری) شکل می‌گیرد در بسیاری از موارد با محدوده قلمروهایی که کالبد بنا (قلمروهای کالبدی) شکل می‌دهد متفاوت است. این موضوع موجب عدم شکل‌گیری عرصه‌های مشخص و سلسله مراتبی تعریف شده در محیط‌های مسکونی شده است. در این راستا پژوهش حاضر قلمرو را به‌عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار بر کیفیت ارتباط انسان و محیط، مورد بررسی و تحلیل قرار داده است و با تعیین محدوده قلمروهای رفتاری و کالبدی و انطباق آن‌ها بر یکدیگر، در سه دوره مسکن حاشیه کویر ایران، به‌دنبال دستیابی به مفهوم و محدوده قلمرو در هر دوره می‌باشد.

با توجه به این‌که آب و هوای غالب فلات ایران گرم و خشک است و بسیاری از شهرهای تاریخی که دارای ارزش‌های فضایی هستند، در اقلیم گرم و خشک واقع شده‌اند (توسلی،1391، 31)، مفهوم قلمرو در مسکن کویری ایران مورد بررسی قرار گرفته است. برای این منظور نمونه‌هایی هدفمند از مسکن سه دوره عقدا، که نمونه مناسبی از شهرهای حاشیه کویر است، انتخاب شد. سپس با توجه به چارچوب نظری به‌دست آمده از مبانی نظری پژوهش، ابتدا ویژگی‌های کالبدی بخش‌های مختلف خانه مورد بررسی قرارگرفت و سپس رفتارها و برداشت‌های ذهنی کاربران از فضا، توسط پرسشنامه و مصاحبه‌های عمیق به دست آمد. در ادامه و در بخش تحلیل، با روش استدلال منطقی، محدوده قلمروها (قلمرو خصوصی فرد، قلمرو خصوصی خانواده و قلمرو خصوصی گروه) ابتدا براساس ویژگی‌های کالبدی (قلمروها کالبدی) و سپس براساس رفتار ساکنین (قلمروهای رفتاری) مشخص گردید و بر یکدیگر انطباق داده شد.

پرسش‌های پژوهش

پرسش‌اصلی

قلمروها در سه دوره مسکن حاشیه کویر، چه مفهوم و محدوده‌ای داشته‌اند؟ و چگونه می‌توان مفهوم و محدوده قلمروها را در هر دوره مشخص نمود؟

پرسش‌های فرعی

- همپوشانی قلمروهای کالبدی و رفتاری در طول زمان چه تغییراتی داشته است؟

- همپوشانی قلمروهای کالبدی و رفتاری چه نتایج کاربردی را برای هر قلمرو در اختیار طراحان و برنامه‌ریزان مسکن جدید قرار می‌دهد؟

پاسخ به این پرسش‌ها می‌تواند زمینه را برای بازنگری در رویه‌ها و توسعه طرح‌های هماهنگ‌تر با رفتارها و نیازهای کاربر فراهم نماید.

مفاهیم نظری قلمرو

مفهوم قلمرو ریشه در تحلیل‌های جامعه‌شناختی زندگی شهری دارد که در دهه 1920 آغاز شد. البته مطالعه رفتار قلمروی حیوانات تاریخ بسیار طولانی دارد و پژوهشگرانی چون کارپنتر[1]، نایس[2] و غیره به این موضوع پرداخته‌اند. آلتمن[3] نیز از جمله پژوهشگرانی است که مطالعات فراوانی در زمینه قلمرو و رفتار قلمروپایی در انسان‌ها دارد. او رفتار مربوط به قلمرو را یکی از چند سازوکار نظارت بر مرز میان خود و دیگری می‌داند و آن‌را وسیله‌ای برای رسیدن به خلوت مطلوب به‌شمار می‌آورد. آلتمن معتقد است رفتار قلمروپایی از طریق نظارت بر تعامل اجتماعی، رابطه افراد را تسهیل و از این رهگذر از تضاد و ارتباط نادرست اجتماعی جلوگیری می‌کند (آلتمن،1382، 122). لئون پاستلان[4] نیز در زمینه قلمرو مکانی انسان تعریف دقیقی ارائه نموده است. براساس این تعریف " قلمرو مکانی، فضای محدود شده‌ای است که افراد و گروه‌ها از آن به‌عنوان محدوده اختصاصی استفاده و دفاع می‌کنند. قلمرو با یک مکان، هویت روان‌شناختی می‌یابد و با احساس مالکیت و ترکیب کالبدی به‌صورت نماد در می‌آید." (لنگ، 1386، 168) بنابراین، تأمین خلوت و کنترل قلمرو مکانی در طراحی محیط اهمیت ویژه‌ای دارد زیرا بعضی از نیازهای اساسی انسان از قبیل هویت، انگیزش و امنیت از این طریق تأمین می‌شوند (آردری در لاوسن، 1391، 174). آلتمن نیز قلمرو مکانی را نه تنها تأمین کننده خلوت بلکه تثبیت کننده روابط اجتماعی می‌داند (لنگ،1386، 169). با وجود این‌که مفهوم قلمرو در شرایط متفاوت ابعاد ثابتی ندارد، تلاش‌های متعددی در زمینه شناسایی گونه‌های مختلف قلمرو صورت گرفته است. یکی از اساسی‌ترین گام‌ها در تشخیص انواع قلمرو توجه به عرصه‌بندی در محیط‌های مسکونی است. چنانکه پورتیوس (1977) سه مقیاس فضایی در درون هم را تعریف کرده است. مقیاس اول فضای شخصی است، بعدی مقیاس متکی به خانه، یعنی فضایی که از آن به‌طور فعال دفاع می‌شود و شامل فضاهای کار، مسکن و محله است و سپس مقیاس فضای در دسترس خانه که قرارگاه یا مکان رفتاری زندگی فرد است. آلتمن قلمروها را به قلمروهای اولیه (قلمروهای تحت مالکیت و استفاده انحصاری فرد یا گروه خاص)، قلمروهای ثانویه (کمتر نقش مرکزی و انحصاری دارد و محدوده‌ای است که فرد یا گروه بر آن حق نظارت و مالکیت دارند) و قلمروهای عمومی (قلمرو موقتی است و تقریباً هرکسی به آن دسترسی دارد)، دسته‌بندی کرده است (آلتمن، 1382، 128- 145). الکساندر و چرمایف نیز عرصه‌های زندگی جمعی و زندگی خصوصی را به شش دسته تقسیم کرده‌اند که از قلمرو عمومی شهر تا قلمرو خصوصی افراد را در بر می‌گیرد. تمرکز پژوهش حاضر بر سه دسته اول این قلمروها است.

- قلمرو خصوصی فرد: فضاهای اختصاصی متعلق به هر شخص یا هریک از اعضای خانواده، خلوتگاه اختصاصی هر فرد که در آنجا بتواند جدا از سایر اعضای خانواده فعالیت‌های شخصی خود را انجام دهد.

- قلمرو خصوصی خانواده: فضاهایی در عرصه خصوصی که در اختیار اعضای خانواده بوده و

اختصاص به فعالیت‌های خانواده نظیر غذا خوردن، تفریح، سرگرمی، نظافت و رسیدگی به خانه دارد.

- قلمرو خصوصی گروه: فضاهایی که در مرز عرصه خصوصی و عمومی هستند و هر دو عرصه می‌توانند به آن‌ها دسترسی داشته باشند (الکساندر و چرمایف، 1393، 157). در پژوهش حاضر، این قلمرو فضاهای ارتباط با همسایگان و پذیرایی از میهمانان را در بر می‌گیرد که می‌توانند در زمان‌های تعامل با گروه، به‌عنوان قلمرو خصوصی گروه و در سایر زمان‌ها جزء قلمرو خصوصی فرد یا خانواده باشند. این قلمرو در تعریف آلتمن نوعی قلمرو ثانویه است و قلمرو تعاملی نامیده می‌شود. یعنی عده‌ای برای زمان محدود و مشخصی تعامل دارند و پس از سپری شدن زمان، مکان را ترک نموده و قلمرو حذف می‌گردد (شاهچراغی، 1394، 68). جدول شماره 1 دسته‌بندی‌های متفاوت از قلمرو را ارائه داده است. در جدولی مشابه، (عینی‌فر و آقالطیفی، 1390) نظام متفاوت قلمروها بررسی شده است. جدول شماره 1 با ارائه مستندات کامل‌تر، نظام سلسله مراتبی قلمروها را مبنای تحلیل قلمروهای کالبدی و رفتاری قرار داده است و سایر دسته‌بندی‌هایی که براساس مفاهیم ادراکی انجام شده‌اند، موضوع این تحقیق نمی‌باشند. با توجه به اینکه در مقیاس‌های مختلف زندگی مسکونی، مفهوم قلمروها متغیر می‌باشد، در این مطالعه، کوچک‌ترین مقیاس یعنی فضای واحدهای مسکونی مبنای تحلیل قرار گرفته است.

پژوهشگر	دسته‌بندی ارائه شده از انواع قلمرو						ماهیت دسته‌بندی
	مقیاس مطالعه						
الکساندر و چرمایف (1963)	فضاهای خصوصی افراد	فضاهای خصوصی یک خانواده	فضاهای خصوصی یک گروه	فضاهای عمومی یک گروه	فضاهای نیمه عمومی شهر	فضاهای عمومی شهر	سلسله مراتبی
داگلاس پورتیوس (1977)	فضای شخصی		فضای متکی به خانه		فضای در دسترس خانه		سلسله مراتبی
لایمن و اسکات (1972)	قلمرو خانه		قلمرو تعاملی				مفهومی/ سلسله مراتبی
آیروین آلتمن (1975)	قلمرو اولیه		قلمرو ثانویه		قلمرو عمومی		مفهومی/ سلسله مراتبی
سید حسین بحرینی (1378)	فضای خصوصی		فضای نیمه خصوصی	فضای نیمه عمومی		فضای عمومی	سلسله مراتبی
محمود توسلی (1369)	قلمرو یک واحد مسکونی		قلمرو چندین واحد مسکونی		قلمرو یک واحد محله‌ای		سلسله مراتبی
عینی‌فر (1379)	واحدهای مسکونی		پیوندهای درونی مجموعه‌ها		پیوندهای بیرونی		سلسله مراتبی
مایک بیدولف (2007)	فضای خصوصی		فضای نیمه خصوصی	فضای نیمه عمومی		فضای عمومی	سلسله مراتبی

ج 1. دسته بندی‌های ارائه شده برای انواع قلمرو (مأخذ: نویسندگان).

با توجه به آنچه بیان شد قلمرو مفهوم پیچیده‌ای است که با عوامل مختلفی در ارتباط می‌باشد و چنان‌که بیدولف نیز معتقد است: "عوامل فیزیکی به تنهایی مرز بین قلمروها را شکل نمی‌دهند بلکه قلمروها تحت تأثیر عوامل اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و حتی تفاوت‌های نژادی نیز هستند" (Biddulph 2007,135). از سویی دو عنصر اصلی قلمرو را کاربران (افراد و گروه‌ها) و محیط کالبدی تشکیل

می‌دهند (Zubaidi, 2013, 92). بنابراین عوامل مختلف در ارتباط با این دو عنصر، در بستری مشخص و در بازه‌های زمانی مختلف، مفهوم قلمرو را شکل می‌دهند. با این توضیح می‌توان عوامل تأثیرگذار بر مفهوم و شکل قلمروها را به سه دسته کلی تقسیم‌بندی کرد:

بخشی از عوامل با کالبد در ارتباط است. این بخش که از مهمترین عوامل مورد نظر معماران و شهرسازان است مسائلی از قبیل نظم فیزیکی و بصری، شاکله کلی محدوده، ساختار، مرزبندی کالبدی و... را در بر می‌گیرد (عینی‌فر و آقالطیفی، 1390، 20). این عوامل در پژوهش حاضر در قالب مواردی از قبیل محل قرارگیری فضاها، ارتباط آن‌ها، تناسبات، اجزای تشکیل‌دهنده، کیفیات فضا و غیره مورد بررسی قرار گرفتند.

بخشی از عوامل با کاربر در ارتباط است. این عوامل، مسائل ادراکی_ روانی، مسائل اجتماعی و نیازها و انگیزه‌های مادی کاربران مانند غذا خوردن و خوابیدن را در بر می‌گیرد (آلتمن، 1382، 138). مجموعه این عوامل رفتارهای کاربر را شکل می‌دهند.

عواملی نیز هستند که در واقع بستر عوامل دیگر می‌باشند و عبارتند از سه عامل فرهنگی- اجتماعی، جغرافیایی و زمان. عوامل فرهنگی_ اجتماعی، مجموع مفاهیم فرهنگ، اخلاق، جهان‌بینی، مفهوم هستی و خصوصیت و شخصیت یک قوم را در بر می‌گیرد (راپاپورت، 1392، 84). عوامل جغرافیایی، ویژگی‌هایی مانند اندازه، وسعت و مکان قلمروها را شامل می‌شود. زمان نیز از جمله عواملی است که می‌تواند سایر عوامل را تحت تأثیر خود قرار دهد. زیرا ابعاد و محدوده قلمروها در طول زمان براساس تحولات کالبدی و اجتماعی زمینه آن‌ها تغییر می‌کند (Kent, 1990, 50).

قلمرو در شهرهای حاشیه کویر

با بررسی برخی از شهرهای کویری مانند نایین (کیانی، 1366)، میبد (اسفنجاری کناری، 1385)، فهرج (علوی راد،1380) و عقدا که ساختار فرهنگی، جمعیتی و پیشینه تاریخی نسبتاً مشابهی دارند، سه نوع بافت مسکونی قابل تشخیص است که در سه دوره زمانی شکل گرفته‌اند. این بافت‌ها عبارتند از:

بخش درونی یا قدیمی شهر، عمدتاً شامل شهر قلعه‌ای با مجموعه مرکز شهر، مسجد جامع، بازار، محلات و مراکز محلات بوده که شکل‌گیری آن از نظر تاریخی و جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی به قبل از اسلام باز می‌گشته و تا انقراض دولت و نظام شهری قاجار و حتی تا سال‌های بعد از 1300 (دوره پهلوی اول) ادامه یافته است.

بخش میانی یا نیمه قدیمی، عمدتاً شامل گسترش‌های پشت قلعه قدیمی است که از سال‌های پیش از 1300 شروع شده و تا سال‌های اصلاحات ارضی ادامه یافته است.

بخش جدید شهر، در مجموع شامل گسترش‌های پیرامونی، خیابان‌کشی‌ها و شهرک‌های مسکونی بعد از انقلاب می‌باشد و در طول قرن اخیر به وجود آمده است (توسلی، 1369، 35). چنان که بیان شد این سه نوع بافت که سه الگوی غالب مسکن را نیز به خود اختصاص داده‌است در اکثر شهرهای ناحیه گرم وخشک ایران از جمله عقدا دیده می‌شود.

به‌طورکلی، در همه این مجموعه‌های مسکونی سه مقیاس عمده مطرح می‌گردد: پیوند بیرونی مجموعه‌ها با محیط‌های مجاور، روابط درونی مجموعه‌ها و هرکدام از واحدهای مسکونی (عینی‌فر، 1379، 110). بنابراین قلمروها نیز در مقیاس‌های متفاوت قابل مطالعه می‌باشند. در این راستا، مطالعات صورت گرفته در بافت

قدیم و میانی شهرهای حاشیه کویر نیز سه قلمرو متفاوت در ارتباط با خانه را مشخص می‌سازد که عبارتند از فضاهای خصوصی، فضاهای نیمه خصوصی- نیمه عمومی و فضاهای عمومی (توسلی، 1365، 68- 69). در این خانه‌ها، ساکنین در فضاهای خصوصی خانواده بدون مداخله دیگران زندگی می‌کنند و در فضای نیمه خصوصی- نیمه عمومی(فضای خصوصی گروه) با همسایگان و آشنایان گرد هم می‌آیند، این فضاها به چند خانواده تعلق دارد و موجب آشنایی ساکنین آن با یکدیگر می‌شود (طبیبیان، 1390). این سه نوع قلمرو که در پژوهش حاضر از آن‌ها به‌عنوان قلمرو خصوصی فرد، قلمرو خصوصی خانواده و قلمرو خصوصی گروه نام برده شده است، در خانه‌های بافت جدید نیز دیده می‌شود اما مفهوم و محدوده آن تغییراتی را در برداشته است.

چارچوب نظری

تمرکز پژوهش حاضر در مقیاس واحدهای مسکونی است و با توجه به عوامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری قلمروها، از قلمروهای کالبدی و قلمروهای رفتاری نام برده شده است. محدوده قلمروهای کالبدی تحت تأثیر عوامل مرتبط با کالبد و محدوده قلمروهای رفتاری تحت تأثیر رفتار کاربران است. عوامل تأثیرگذار بر محدوده قلمروها و ارتباط قلمروهای کالبدی و رفتاری با یکدیگر در نمودار شماره 1 نشان داده شده است. برای تبیین مدل پیشنهادی، نمونه‌هایی هدفمند از مسکن سه دوره عقدا انتخاب شد و با انطباق قلمروهای کالبدی و رفتاری، مفهوم و محدوده قلمرو در سه دوره مورد مطالعه قرار گرفت.

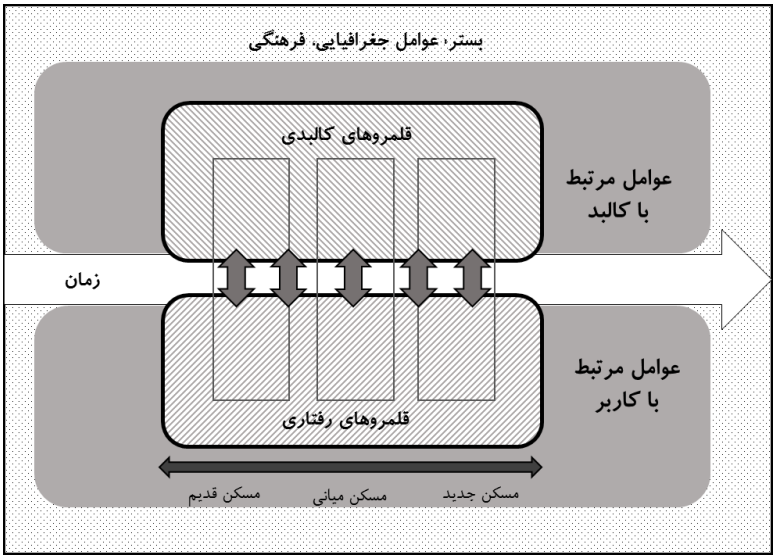

ن 1. چارچوب نظری تحقیق: عوامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری قلمروها و ارتباط قلمروهای کالبدی و رفتاری با یکدیگر در سه نوع قلمرو (قلمرو خصوصی فرد، قلمرو خصوصی خانواده، قلمرو خصوصی گروه).

پژوهش موردی

در این پژوهش شهر عقدا به‌عنوان نمونه موردی انتخاب شده است. این شهر به‌دلیل داشتن هر سه نوع بافت مسکونی مذکور در بخش قبل، آب و هوای گرم و خشک، ساختار جمعیتی و فرهنگی نسبتاً همگون و مشابه با بسیاری از شهرهای کویری ایران، می‌تواند نمونه مناسبی از شهرهای حاشیه کویر باشد. شهر عقدا در فاصله حدود یک کیلومتری جنوب جاده مهم

ارتباطی کشور (تهران- بندرعباس) و در فاصله 40 کیلومتری اردکان قرار گرفته است. تاریخ شکل‌گیری عقدا به قبل از اسلام و حداقل به دوره سلوکیان باز می‌گردد. بافت این شهر از یک هسته اولیه فشرده تشکیل شده که در دوره‌های بعدی توسعه یافته است و هر دوره متناسب با شرایط و معماری خاص آن، تفاوت قابل ملاحظه‌ای با دوره‌های قبلی و بعدی خود دارد. اما آن‌چه امروزه دیده می‌شود بافتی مسکونی است که از مرکز عقدا به سمت شرق، شمال شرق و جنوب شرق کشیده شده و زمین‌های کشاورزی را درسمت شمال خود جای داده است (مهندسین مشاور مآب، 1380). برای انجام این پژوهش، سه گونه عمده مسکن عقدا که هریک معرف دوره‌ای خاص می‌باشد به‌صورت هدفمند انتخاب شده‌است:

مسکن قدیم تا دوره پهلوی اول، خانه‌هایی با حیاط مرکزی و زیربنای بسیار کم است.

مسکن میانی، توسعه عقدا در دوره پهلوی اول و دوم می‌باشد . در این دوره خانه‌ها زیربنای بیشتری دارند و فضاهای پر معمولاً دو طرف حیاط ساخته شده‌اند.

مسکن جدید، توسعه عقدا بعد از انقلاب است و شامل خانه‌هایی است که اساس آن‌ها سه فضای مستطیل شکل در کنار یکدیگر با طاق‌های ضربی می‌باشد. در این خانه‌ها معمولاً فضاهای مختلف اطراف یک فضای مرکزی به نام هال چیده شده است (تصویر شماره 1).

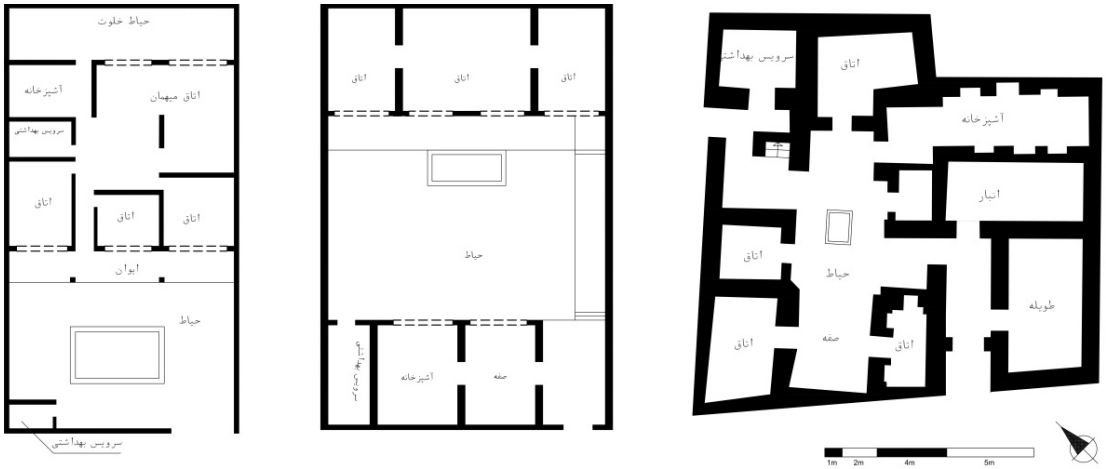

ت 1. مسکن سه دوره عقدا (از سمت راست: قدیم، میانی و جدید). مأخذ: برداشت و ترسیم از نگارندگان.

روند پژوهش موردی

در این بخش با هدف انجام یک پژوهش کیفی نمونه‌هایی هدفمند از مسکن سه دوره عقدا انتخاب شد. انتخاب نمونه‌ها از بین الگوهای غالب هر دوره که مسکن عامه مردم هستند صورت گرفت. سپس با توجه به چارچوب نظری مطرح شده در بخش قبل (نمودار شماره 1)، ابتدا ویژگی‌های کالبدی بخش‌های مختلف خانه مطالعه شد و سپس رفتارها و برداشت‌های ذهنی کاربر از فضا توسط پرسشنامه و مصاحبه‌های عمیق مورد بررسی قرار گرفت. برای مطالعه ویژگی‌های کالبدی بنا، از مشاهده مستقیم و برداشت بناها استفاده شد. جهت شناخت رفتار کاربران نیز، پرسشنامه‌ای تهیه و با 30 نفر از ساکنان عقدا مصاحبه انجام شد.

پرسشنامه با پرسش از سه نسل ساکنان تکمیل شد. نسل اول افرادی در رده سنی 70 سال، که تجربه سکونت در مسکن قدیم را در کودکی و جوانی داشتند. نسل دوم افرادی در رده سنی 45 سال که تجربه زندگی در مسکن میانی را داشتند و نسل سوم که در دوره سنی 25 سال بودند و معمولاً تجربه زندگی در مسکن جدید را داشتند. پرسشنامه از سه بخش تشکیل شده است. بخش اول شامل مشخصات فردی و خانوادگی مصاحبه شونده است. بخش دوم، پرسش در مورد محل انجام فعالیت‌های مختلف در مسکن و نحوه انجام آن‌ها می‌باشد که سعی در شناخت رفتار ساکنان و فضاهای مورد استفاده برای هر فعالیت را دارد. بخش سوم نیز با پرسش در مورد میزان رضایت از فضاها، ایده‌آل‌ها، فضاهای مورد نیاز برای هر فعالیت و اولویت‌ها، سعی در آشنایی با نحوه ادراک و برداشت ساکنان از محدوده و مفهوم قلمروها را دارد. لازم به ذکر است پرسشنامه‌ها فقط جهت ساختار بخشیدن به روند مصاحبه، برای پرسشگر نوشته شدند و در اختیار مصاحبه شونده قرار نگرفتند.

یافته‌ها

ویژگی‌های کالبدی

چنان‌که بیان شد بخشی از عوامل تأثیرگذار بر محدوده قلمروها با کالبد آن در ارتباط است، بنابراین کالبد بخش‌های مختلف خانه و عوامل مرتبط با آن، در هر دوره مورد بررسی و مشاهده قرار گرفت. در این مشاهدات با توجه به عوامل کالبدی که در مبانی نظری پژوهش بیان شد، محل قرارگیری فضاها، تناسبات، ارتباط آن‌ها با سایر فضاها و عوامل کیفی و عناصر تشکیل‌دهنده فضا مورد بررسی قرارگرفت و سپس تغییرات آن‌ها با یکدیگر مقایسه شد که در جدول شماره 2 به اختصار بیان شده است.

رفتار ساکنان

در این بخش، جهت شناخت محدوده قلمروهای رفتاری، نتایج مصاحبه‌ها و مشاهدات صورت‌گرفته بر روی فعالیت‌های ساکنین در فضاها، در سه گروه فعالیت‌های فردی، فعالیت‌های جمعی خانواده و فعالیت‌های جمعی گروه، ساماندهی و در جدول شماره 3 به اختصار بیان شده است.

تحلیل نتایج

با توجه به چارچوب نظری به‌دست‌آمده ویژگی‌های کالبدی بخش‌های مختلف مسکن عقدا (خلاصه شده در جدول شماره 2) و رفتار کاربران (خلاصه شده در جدول شماره 3) مورد بررسی قرار گرفت. در این بخش، محدوده قلمروها براساس قابلیت‌هایی که کالبد در اختیار قرار می‌دهد، در جدول شماره 4 مشخص گردید (قلمروهای کالبدی). در واقع به‌وسیله استدلالمنطقی، از ویژگی‌های ظرف به نوع مظروف پی برده شد. در جدول شماره 5 نیز با توجه به سه نوع فعالیت مشخص شده در بخش قبل (فعالیت‌های فردی، فعالیت‌های جمعی خانواده و فعالیت‌های فردی گروه)، که در سه قلمرو (خصوصی فرد، خصوصی خانواده و خصوصی گروه) انجام می‌شوند، محدوده قلمروهای رفتاری مشخص‌شد. سپس با هم‌پوشانی قلمروهای رفتاری و کالبدی، محدوده قلمروها در هر دوره و تغییرات آن مورد بررسی قرارگرفت. در نمودار تکمیلی شماره 2 نیز براساس نتایج پرسشنامه‌ها میزان استفاده از فضاها برای سه نوع فعالیت مشخص شد.

موضوع		مسکن قدیم	مسکن میانی	مسکن جدید	مقایسه مسکن سه دوره
فضاهای اصلی خانه	حیاط	فضای باز مرکزی، محاط در فضای بسته مساحت بسیار کم با دیوارهای مرتفع (4-5 متر) ارتباط با اتاق‌ها و ورودی دارای حوض و در برخی موارد تعداد کمی درخت	فضایی باز در دو سمت یا میان خانه مساحت بیشتر، دیوارهای کوتاه‌تر (نسبت به دوره قبل) ارتباط با اتاق‌ها و ورودی باغچه‌های بزرگ و تعداد زیادی درخت، (حیاط به مثابه باغ داخل خانه)	فضایی باز در یک سمت خانه سطح اشغال 40 در صد از زمین، ارتفاع بسیار کم دیوارها (2.5- 3 متر) ارتباط با تعدادی از اتاق‌ها و هال و ورودی باغچه‌های عمیق با درختان کوتاه قد انار).	کاهش نسبت ارتفاع جداره‌های حیاط به مساحت آن و در نتیجه افزایش میزان دریافت تابش نور خورشید و کاهش محرمیت فضای حیاط
	صفه (ایوان)	فضایی معمولاً در یک سمت خانه (رو به شمال) عمق 3-4 متر، دارای طاق بلند تا ارتفاع دو طبقه ارتباط مستقیم با حیاط و اتاق‌ها. دارای عنصر بادگیر	فضایی در یک سمت خانه، رو به شمال عمق 4- 5 متر، دارای سقف با ارتفاع 4-5 متر. ارتباط مستقیم با حیاط و اتاق‌ها	فضایی در یک سمت خانه و روبه جنوب عمق تقریباً 2 متر، و ارتفاع سقف تقریباً 2.5- 3 متر ارتباط مستقیم با حیاط و اتاق‌ها	کاهش عمق این فضا، کوتاه شدن طاق، حذف بادگیر و جهت‌گیری آن به سمت جنوب موجب افزایش میزان دریافت تابش خورشید، کاهش دریافت باد مطلوب و کاهش محرمیت آن شده است.
	اتاق‌ها	قرار گیری اتاق‌ها در اطراف حیاط با کیفیت اقلیمی متفاوت (پشت به آفتاب و رو به آفتاب)، قرار گرفتن چند اتاق در طبقه بالا با ورودی مجزا از دالان ورود یا صفه (بالاخانه) ارتباط با صفه، دالان و حیاط تعبیه تعداد زیادی طاقچه و کمد در جداره اتاق‌ها	قرارگیری اتاق‌ها در دوسمت خانه (شمال و جنوب). ارتباط با صفه و حیاط. تأمین نور اتاق از طریق در پنجره-هایی به سمت حیاط، بزرگ‌تر شدن اتاق‌ها و کاهش تنوع کالبدی آن‌ها.	قرارگیری اتاق‌ها در یک سمت خانه و در اطراف یک فضای بسته مرکزی به نام هال ارتباط اتاق‌ها با هال و در مواردی با هال و حیاط، ارتباط هال با حیاط نورگیری اتاق‌ها از طریق حیاط، حیاط خلوت و یا کوچه	تنوع کالبدی اتاق‌ها که موجب انعطاف‌پذیری آن‌ها بوده کاهش یافته‌است. در مسکن قدیم اتاق‌ها بر حسب شرایط اقلیمی عملکردهای مختلف را پذیرا بودند (تابستان‌نشین و زمستان‌نشین)، اما در مسکن جدید، شرایط اقلیمی اتاق‌ها نسبتاً یکسان است. با شکل‌گیری پنجره‌ها به سمت کوچه از محرمیت اتاق‌ها کاسته شده‌است. فضاهای واسط برای دسترسی به اتاق به تدریج حذف شده‌اند.
فضاهای خدماتی خانه	بام	فضایی با مساحت بسیار کم (به‌دلیل سطح اشغال کم خانه)، جان‌پناه‌های کوتاه. سطوح گلی	مساحت بیشتر بام نسبت به دوره قبل، جان‌پناه کوتاه، سطوح گلی	مساحت زیاد، جان‌پناه بلند، سطوح پوشیده از ایزوگام	افزایش مساحت بام و کاهش مطلوبیت به‌دلیل استفاده از مصالح جاذب گرما در سطوح کف آن
	آشپزخانه	فضایی بسته یا نیمه باز در گوشه حیاط. دسترسی مستقیم به حیاط یا صفه. دارای امکاناتی برای ذخیره مواد غذایی و پخت و پز، تهویه و نورگیری از طریق بازشویی در سقف	فضایی بسته، معمولاً در گوشه سمت جنوب حیاط. ارتباط مستقیم با حیاط. دارای امکاناتی برای پخت و پز و ذخیره مواد غذایی	فضایی در کنار هال مرکزی. ارتباط مستقیم به هال، نورگیری از طریق حیاط خلوت، در برخی نمونه‌ها حذف بخشی از جداره آشپزخانه به سمت هال یا پذیرایی. با امکانات ذخیره مواد غذایی، پخت‌وپز و شست‌وشو	افزایش امکانات آشپزخانه، افزایش کیفیت نورگیری و افزایش ارتباط آن با فضای نشیمن، قابلیت پذیرفتن عملکردهای بیشتری را به این فضا داده‌است و در خانه‌های جدید آشپزخانه به‌عنوان یکی از فضاهای اصلی خانه به‌شمار می‌آید.
	انبار و طویله	فضاهایی در نزدیک ورودی. ارتباط مستقیم با معبر و دالان ورودی.	فضاهایی در نزدیکی ورودی. ارتباط مستقیم با معبر و دالان ورودی	حذف طویله و انبار در طرح خانه‌های جدید، ساخت انبار توسط کاربران در گوشه حیاط با توجه به نیاز	انبار و طویله در خانه‌های جدیدتر به‌دلیل تغییر شغل ساکنین از کشاورزی به شغل‌های خدماتی تقریباً حذف شده یا با فضاهای دیگر ترکیب شده‌است.
	سرویس و حمام	قرارگیری سرویس در دالان ورودی یا در انتهای صفه غربی	قرارگیری سرویس و حمام در گوشه‌ای از حیاط نزدیک به اتاق اصلی	قرارگیری سرویس و حمام در کنار هال مرکزی و قرارگیری یک سرویس جداگانه در حیاط	سرویس و حمام از خارج از خانه و فضاهای باز به فضاهای پر کشیده شده و در کنار یکی از فضاهای اصلی خانه جای می‌گیرد.
فضاهای ارتباطی خانه	دالان (راهرو)	فضایی نیمه‌باز، عنصر واسط هشتی و حیاط، و در برخی موارد واسط حیاط و اتاق‌ها یا صفه	فضایی نیمه‌باز، اتصال ورودی به حیاط	در اکثر موارد حذف شده است، در صورت وجود، فضایی بسته برای اتصال هال مرکزی به ورودی حیاط	این فضا در خانه‌ها کم‌کم حذف شده و یا جایگاه خود را به‌عنوان فضای واسط از دست داده است.
	هشتی و ورودی	هشتی: فضایی هشت ضلعی یا چهار ضلعی واسط کوچه و دالان ورودی. قرارگیری ورودی در بدنه‌های یکنواخت و بدون تزیین معبر با مقداری عقب نشستگی.	حذف و یا ساده‌تر شدن هشتی، عقب‌نشینی بسیار کم ورودی از بدنه‌های معبر	حذف هشتی، هم‌سطح شدن ورودی با دیوارهای معبر	ورودی و هشتی نیز در خانه‌ها کم‌کم ساده‌تر شده و با حذف هشتی در خانه‌های جدید تنها عنصر واسط کوچه و خانه، یک در فلزی است.

ج 2. توصیف ویژگی‌های کالبدی بخش‌های مختلف خانه در شهر عقدا براساس مشاهدات و برداشت نگارندگان.

موضوع		مسکن قدیم	مسکن میانی	مسکن جدید	مقایسه مسکن سه دوره
فعالیت‌های فردی	فعالیت‌های فردی	صفه، بام، اتاق‌ها	صفه، بام، اتاق‌ها و نشیمن	اتاق‌ها و هال نشیمن	در مسکن دو دوره اول، فعالیت فردی چندان تعریف‌شده نبوده‌است و فعالیت افراد بیش‌تر در زمینه امور معیشتی خانواده می‌باشد، مانند عمل‌آوری محصولات کشاورزی و تولید محصولات دستی که به‌صورت جمعی در حیاط، صفه و نشیمن انجام می‌شده‌است. در خانه‌های جدید فضاها براساس عملکردی که می‌پذیرند استفاده می‌شوند و هیچ‌کس فضای مشخصی ندارد.
	خلوت و فکر کردن	خارج از خانه و روی بام	خارج از خانه و روی بام	هال، اتاق و در مواردی خارج از خانه	در مسکن قدیم و میانی به‌دلیل تعداد زیاد اعضای خانواده، قلمرو خصوصی افراد در داخل خانه تأمین نمی‌شده است اما در مسکن جدید فضاهای داخل خانه توانسته پاسخگوی این فعالیت باشد. با این وجود افراد برای این فعالیت از فضای مشخصی استفاده نمی‌کنند.
فعالیت‌های جمعی خانواده	صبحانه، ناهار و شام خوردن	اتاق نشیمن (فصول سرد) صفه (فصول گرم)	اتاق (فصول سرد) صفه (فصول گرم)	هال مرکزی و در موارد کمی آشپزخانه	در خانه‌های امروزی افراد ترجیح می‌دهند درفضای بسته و در شرایط اقلیمی مطلوب و در کنار تلویزیون غذای خود را میل کنند.
	دور هم جمع شدن اعضای خانواده	اتاق رو به آفتاب (فصول سرد) بام (روزهای زمستان) صفه (فصول گرم)	اتاق نشیمن (زمستان) صفه (فصول گرم)	هال مرکزی ایوان	امروزه خانه‌ها به تجهیزات سرمایش و گرمایش مجهز هستند اما هنوز برخی از ساکنان عقدا ترجیح می‌دهند در فصول مناسب از فضای حیاط استفاده کنند هرچند معتقدند که مطلوبیت اقلیمی حیاط و محرمیت آن نسبت به گذشته کاهش یافته است.
	خوابیدن و استراحت کردن	صفه و بام (فصول گرم) اتاق نشیمن (فصول سرد)	بام و صفه یا ایوان (فصول گرم) اتاق (فصول سرد)	هال مرکزی، ایوان و اتاق (انتخاب محل خواب براساس شرایط آب‌وهوایی)	در دو دوره قبل، این فعالیت بیشتر در فضای باز انجام می‌شد، اما در خانه‌های جدید به سمت فضای بسته کشیده شده است. با این وجود هنوز بسیاری از خانواده‌ها در فصل بهار و اوایل تابستان از فضای ایوان برای خوابیدن استفاده می‌کنند. اما فضای بام به‌دلیل کاهش محرمیت، در خانه‌های جدید مورد استفاده قرار نمی‌گیرد.
فعالیت‌های جمعی گروه	پذیرایی از مهمان	صفه (فصول گرم) اتاق (فصول سرد) (برخی از خانه‌های بزرگ‌تر اتاق سه دری و پنج دری دارند که مخصوص میهمان است.)	صفه (فصول گرم) اتاق (فصول سرد) اتاق مخصوص میهمان نیز در اکثر خانه‌ها وجود دارد.	هال مرکزی، اتاق مخصوص میهمان (در صورت غریبه بودن و یا نسبت دور میهمان)	مردم عقدا تنها در صورت غریبه بودن میهمان و یا نسبت دور او فضایی جدا برایش درنظر می‌گیرند. در غیر این صورت فضاهای جمعی خانواده و میهمان تقریباً مشترک است. البته از گذشته تاکنون تغییرات بسیار کندی در جهت شکل‌گیری مرز مشخص‌تری برای فضای میهمان وجود داشته است.
	ملاقات با همسایگان	به ترتیب اولویت، صفه، کوچه و بام.	اولویت اول با اتاق میهمان و بعد کوچه و ورودی و صفه و در نمونه‌های اندکی فضای بام	اولویت اول با فضای هال کوچه و ایوان (در صورت مناسب بودن شرایط آب و هوایی)	همسایه‌ها در گذشته راحت‌تر به خانه یکدیگر رفت‌وآمد داشته‌اند و دلیل این موضوع را ارتباط خویشاوندی و صمیمیت بیش‌تر افراد می‌دانند امروزه ارتباط همسایه‌ها کمتر شده‌است و این ارتباط غالباً در حاشیه حیاط و کوچه و در داخل فضای هال صورت می‌گیرد.

ج 3. تحلیل رفتاری کاربران و محل انجام فعالیت‌ها براساس مطالب استخراج شده از پرسشنامه و مصاحبه.

	موضوع	مسکن قدیم	مسکن میانی	مسکن جدید	مقایسه محدوده قلمروها در سه نوع مسکن		
					مسکن قدیم	مسکن میانی	مسکن جدید
محدوده و مرز قلمروها	قلمرو خصوصی فرد	اتاق به‌دلیل ارتباط با واسطه با سایر فضاها و ارتباط محدود با حیاط و صفه، به‌دلیل محصور بودن	اتاق به‌دلیل محصوریت بیشتر نسبت به سایر فضاها و صفه به‌دلیل محصوریت نسبی	اتاق به‌دلیل محصوریت بیشتر نسبت به سایر فضاها	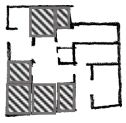	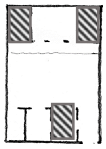	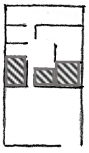
	قلمرو خصوصی یک خانواده	صفه و اتاق‌ها به‌دلیل شرایط آسایش نسبی و ارتباط گسترده‌تر با سایر فضاها	صفه و اتاق نشیمن به‌دلیل شرایط آسایش نسبی و ارتباط گسترده‌تر با سایر فضاها	هال به‌دلیل مرکزیت آن در فضای خانه و آشپزخانه به‌دلیل ارتباط زیاد با فضای هال	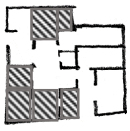	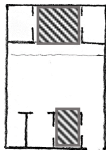	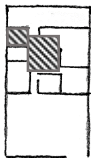
	قلمرو خصوصی یک گروه	معبر، ورودی خانه و هشتی به‌دلیل ارتباط بیشتر با محیط خارج، صفه به‌دلیل شرایط آسایش مناسب و اتاق‌ها در زمانی که شرایط اقلیمی مناسب نیست.	معبر و دالان ورودی به‌دلیل ارتباط بیشتر با فضای خارج، صفه و اتاق میهمان به‌دلیل شرایط آسایش مطلوب و محصوریت کافی	اتاق میهمان به‌دلیل امکان مجزا شدن آن از سایر فضاها و شرایط آسایش مطلوب	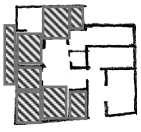	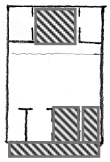	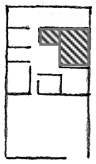

	موضوع	مسکن قدیم	مسکن میانی	مسکن جدید	مقایسه سه مسکن		
محدوده و مرز قلمروها	قلمرو خصوصی فرد	صفه و بام (در فصول گرم)، نشیمن و هال در اولویت بعدی.	صفه و در موارد کمی اتاق نشیمن و سایر اتاق‌ها.	اتاق‌ها در اولویت اول و هال در اولویت بعدی.	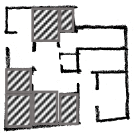	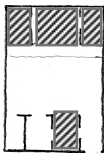	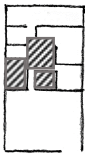
	قلمرو خصوصی یک خانواده	صفه و اتاق‌ها در اولویت اول و بام در اولویت بعدی.	صفه و اتاق نشیمن در اولویت اول و بام در اولویت بعدی.	هال مرکزی در اولویت اول وایوان و آشپزخانه در اولویت بعدی.	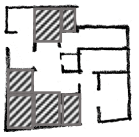	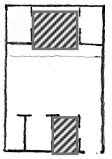	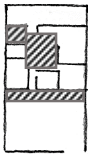
	قلمرو خصوصی یک گروه	صفه اولویت اول و پس از آن معبر و ورودی، بام و اتاق‌میهمان در اولویت‌های بعدی.	اتاق نشیمن، کوچه و ورودی، اتاق میهمان و صفه و در مواردی نیز بام [5].	هال در اولویت اول و کوچه، اتاق میهمان و ایوان در اولویت بعدی.	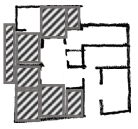	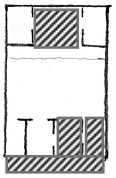	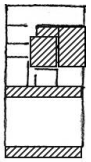

ج 5. تعریف محدوده قلمروها براساس رفتار ساکنان (قلمروهای رفتاری).

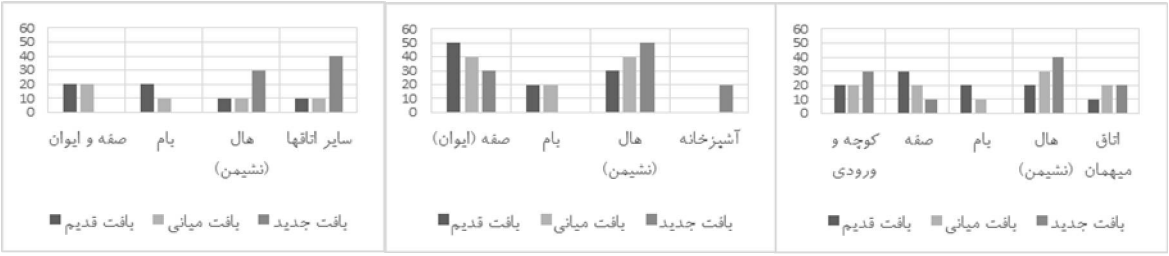

ن 2. مقایسه میزان استفاده از فضاها برای فعالیت‌های جمعی گروه (نمودار سمت راست)، فعالیت‌های جمعی خانواده (نمودار وسط) و فعالیت‌های فردی (نمودار سمت چپ).

قلمرو خصوصی فرد: همان‌گونه که در جدول شماره 2 بیان شد، فضاهای واسط در مسکن قدیم با ایجاد سلسله مراتب مشخص برای ورود به اتاق‌ها امکان تأمین فضای خصوصی را فراهم می‌کردند، اما براساس جدول شماره 3 افراد خانواده لزوماً از اتاق برای فعالیت‌های فردی خود استفاده نمی‌کردند. برای این افراد، فضاهای باز و نیمه‌باز مانند ایوان، امکان بیشتری برای ایجاد قلمرو خصوصی فراهم می‌آورد. هرچه به مسکن جدید نزدیک‌تر می‌شویم، این قلمرو به سمت فضاهای بسته کشیده می‌شود. در مسکن جدید با وجود آن‌که در هر خانه یک خانواده کم جمعیت زندگی می‌کنند و هریک از اعضا می‌توانند اتاقی متعلق به خود داشته باشند، اما بسیاری از ساکنان همچنان ترجیح می‌دهند از فضاهای مشترک با سایر اعضای خانواده استفاده کنند. در این خانه‌ها اتاق، قلمرو خصوصی به‌شمار می‌آید اما فضای اختصاصی هر فرد نیست و همه افراد می‌توانند در زمان‌هایی از آن به‌عنوان قلمرو خصوصی خود استفاده کنند. علاوه بر آن براساس جدول شماره 2 با توجه به این که اتاق نشیمن در مسکن میانی و هال در مسکن جدید امکان ایجاد فضای خصوصی را ایجاد نمی‌کند اما تحلیل داده‌های جدول شماره 3 نشان می‌دهد که افراد از این فضا برای فعالیت‌های فردی و خصوصی خود استفاده می‌کنند.

قلمرو خصوصی خانواده: در مورد این قلمرو ویژگی‌های کالبدی مسکن قدیم و میانی به‌طور نسبی با رفتارها هماهنگ است. چنان که انطباق جداول شماره 4 و 5 نشان می‌دهد پس از عبور از هشتی و دالان وارد قلمرو خصوصی خانواده[6] می‌شویم و بخش اصلی این قلمرو را صفه و اتاق نشیمن تشکیل می‌دهند که به‌صورت فصلی استفاده می‌شوند. البته ویژگی‌های کالبدی بام، آن‌را به‌عنوان یک فضای با اهمیت در قلمرو خصوصی خانواده معرفی نمی‌کند اما با بررسی رفتار ساکنان مشخص شد این فضا نیز در مسکن قدیم و میانی به‌صورت فصلی مورد استفاده قرار می‌گرفته است و در مسکن جدید به‌دلیل کاهش کیفیت فضایی، کارکرد چندانی ندارد. در مسکن جدید قلمرو خصوصی خانواده به سمت فضاهای پر، کشیده شده است، اما ساکنان سعی می‌کنند از فضای نیمه باز ایوان در فصول مناسب استفاده کنند و با تمهیداتی سعی در رفع مشکلات آن داشته‌اند.

قلمرو خصوصی گروه: چنان که در جدول شماره 2 دیده می‌شود، در مسکن قدیم قلمروهای خصوصی یک گروه در داخل کوچه و فضاهای باز و نیمه‌باز و بسته خانه‌ها سیال بوده و حیاط و صفه نقش زیادی در تأمین این قلمرو داشته است. در مسکن میانی نقطه تمرکز این قلمرو معبر، ورودی، اتاق نشیمن و صفه بوده است. در

مسکن جدید نیز با وجود آن‌که اتاق میهمان به‌دلیل محصوریت و شرایط آسایش نسبتاً مطلوب، می‌تواند در اولویت قلمرو خصوصی گروه باشد ولی رفتار ساکنین نشان می‌دهد که هال در اولویت و پس از آن اتاق میهمان، ایوان و معبر است. علاوه بر تحلیل‌های صورت‌گرفته، با هم‌پوشانی ستون‌های عمودی جداول شماره 4 و 5 یک بار محدوده سه نوع قلمرو رفتاری (قلمرو خصوصی فرد، قلمرو خصوصی خانواده و قلمرو خصوصی گروه) و یک بار محدوده سه نوع قلمرو کالبدی هم‌پوشانی شدند (تصاویر شماره 2 و 3). نتایج این هم‌پوشانی نشان می‌دهد که در مسکن قدیم قلمرو خصوصی فرد، خانواده و گروه هم‌پوشانی زیادی با یکدیگر داشته‌اند اما در مسکن میانی و جدید این هم پوشانی کاهش یافته‌است. با این وجود در قلمروهای رفتاری، این هم‌پوشانی در مورد فضای هال و نشیمن همچنان دیده می‌شود. بنابراین در مسکن قدیم مرز و محدوده قلمروها مشخص نبوده و فضاها به‌صورت چندعملکردی استفاده می‌شده است. اما در مسکن میانی و جدید فضاها به سمت تک‌عملکردی بودن پیش می‌روند. البته در رفتارهای ساکنان همچنان نیاز به فضاهای چند عملکردی دیده می‌شود(تصویر شماره 2).

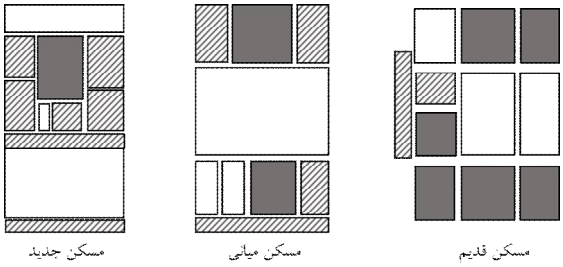

ت 2. مقایسه هم‌پوشانی سه نوع قلمرو رفتاری (قلمرو خصوصی فرد، قلمرو خصوصی خانواده و قلمرو خصوصی گروه).
(بخش‌هایی که هم‌پوشانی دارند ■. بخش‌هایی که هم‌پوشانی ندارند ▨).

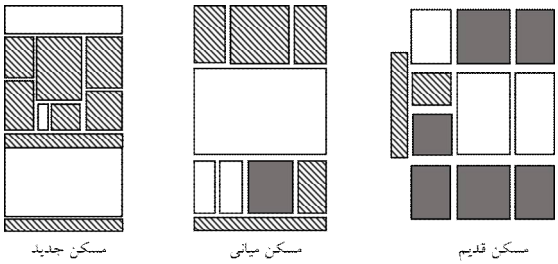

ت 3. مقایسه هم‌پوشانی سه نوع قلمرو کالبدی (قلمرو خصوصی فرد، قلمرو خصوصی خانواده و قلمرو خصوصی گروه)
(بخش‌هایی که هم‌پوشانی دارند ■. بخش‌هایی که هم‌پوشانی ندارند ▨).

نتیجه

نتایج حاصل از تحلیل‌های صورت‌گرفته و همپوشانی قلمروهای کالبدی و رفتاری علاوه بر مشخص نمودن محدوده قلمروها در هر دوره (جدول شماره 6)، نشان می‌دهد که در مسکن میانی و جدید هم‌پوشانی قلمروهای کالبدی و رفتاری کاهش یافته است. با وجود این‌که در مسکن جدید، ویژگی‌های کالبدی بسیاری از فضاها از جمله فضاهای باز و نیمه‌باز نمی‌توانند مانند مسکن میانی و قدیم امکان شکل‌گیری برخی از قلمروها را فراهم کنند، اما افراد همچنان ترجیح می‌دهند مانند گذشته از فضاها استفاده‌کنند. این موارد تلاش کاربر را در جهت حفظ رفتارهای جاری در فضا باوجود تغییرات کالبدی نشان می‌دهد و بر لزوم توجه مضاعف به رفتارهای ساکنان در تعیین محدوده قلمروها تأکید می‌نماید. در جدول شماره 6 قلمروهای رفتاری حتی در صورتی‌که با قلمروهای کالبدی هم‌پوشانی نداشته باشند، در شکل‌گیری محدوده کلی قلمروها تأثیر گذارند.

مقایسه و هم‌پوشانی قلمروها در دوره‌های مختلف، علاوه بر تعیین محدوده قلمروها، نتایجی را در مقیاس خرد و در مورد هر قلمرو نیز در برداشته است. با توجه

به این‌که بسیاری از شهرهای کویر بافت‌های مسکونی، ساختار جمعیتی، فرهنگی و اجتماعی مشابه عقدا را دارند (نایین، اردکان، میبد، فهرج و غیره)، این نتایج قابلیت تعمیم به این‌شهرها را نیز دارا می‌باشد.

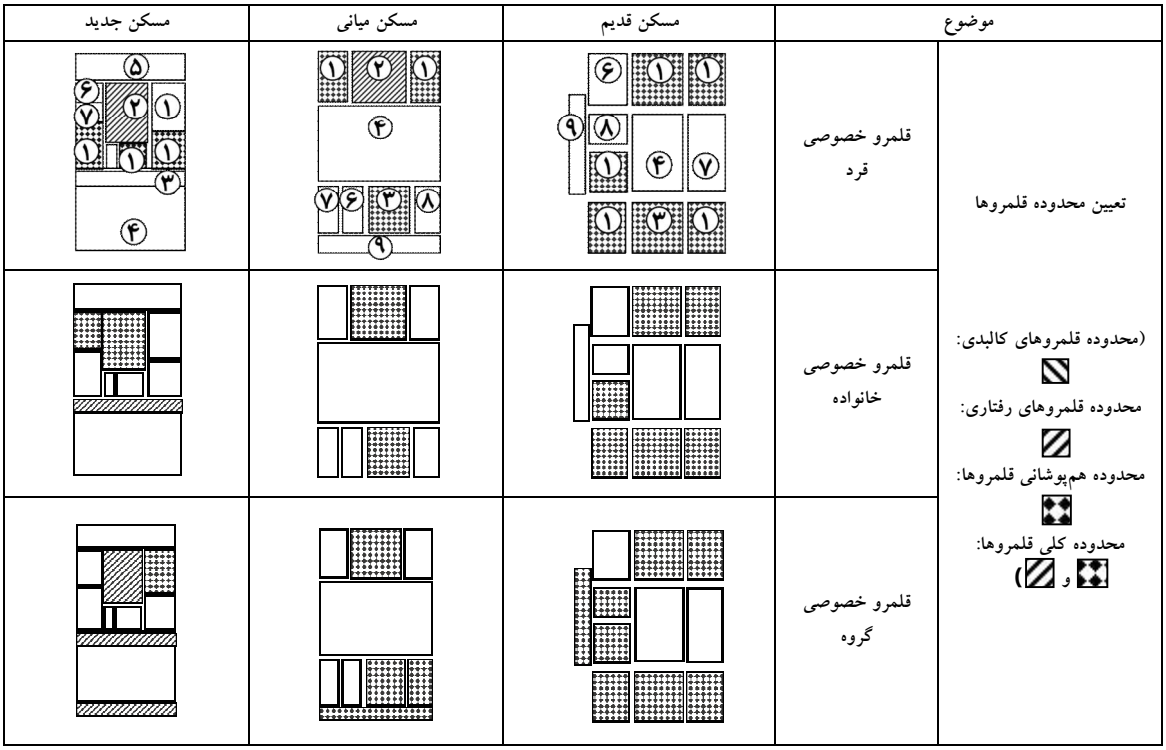

ج 6. تعیین محدوده قلمروها با هم‌پوشانی قلمروهای کالبدی و رفتاری. (1: اتاق، 2: نشیمن یا هال، 3: صفه یا ایوان، 4: حیاط، 5: حیاط خلوت، 6: آشپزخانه، 7: سرویس بهداشتی، 8: هشتی، 9: معبر)

ساکنان شهرهای کویری، عوامل کالبدی و مرزهای فیزیکی را ساز و کار تأمین قلمرو خصوصی فرد نمی‌دانند و از ابزارهای کلامی و زبان بدن برای تأمین و نظارت بر قلمرو خصوصی خود استفاده می‌کنند.

در مورد قلمرو خصوصی خانواده نیز مردم کویر هنوز ترجیح می‌دهند به‌صورت فصلی و چندعملکردی از فضاهای باز و نیمه‌باز استفاده کنند و بی‌توجهی به این موضوع موجب حذف بسیاری از کارکردها و یا تغییر آن‌ها شده و شیوه زندگی مردم را به اجبار دگرگون می‌سازد.

قلمرو خصوصی گروه نیز چندان تحت تأثیر تقسیمات فضایی مسکن جدید نبوده است و براساس میزان صمیمیت افراد با یکدیگر، شرایط آسایش محیطی و امنیت فضاها شکل می‌گیرد. بنابراین تعریف فضاهایی مجزا مانند اتاق میهمان در این خانه‌ها کاربرد چندانی ندارد.

در رفتارهای ساکنان این شهرها همچنان نیاز به فضایی مرکزی و چند عملکردی که قابلیت پذیرش قلمروهای متفاوت را داشته باشد دیده می‌شود. این فضا در مسکن قدیم، حیاط مرکزی و در مسکن میانی،

حیاط مرکزی و اتاق نشیمن و در مسکن جدید، هال مرکزی است.

نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که در تنظیم مبانی نظری طراحی، مسئله اصلی، شناخت رفتارهای جاری ساکنان و تلاش در جهت انطباق قلمروهای کالبدی و رفتاری می‌باشد. عدم توجه به این موضوع، موجب خواهد شد که محیط ذهنی و آرمانی طراح و سازندگان با محیطی که مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد فاصله زیادی داشته باشد. در این شرایط چالش‌هایی بین ساکن و مسکن ایجاد شده و مسکن از هدف اصلی خود که ایجاد محیطی برای سکونت است، فاصله خواهد گرفت. البته در هریک از خرده فرهنگ‌ها، نحوه انطباق قلمروهای رفتاری و کالبدی تا حدودی متفاوت است. در این راستا تلاش اصلی پژوهش به‌دست آوردن مدل نظری برای تعیین مفهوم و محدوده قلمرو در بافت‌های مسکونی بوده‌است و به‌کارگیری این مدل در بسترهای اجتماعی و فرهنگی متفاوت می‌تواند به پاسخ‌های متنوع و بسیار کاربردی منجر شود.

پی‌نوشت

1. Carpenter,C.R.
2. Nice, M.M.
3. Irwin Altman
4. Leon Pastalan

5. در اکثر خانه‌های میانی اتاق نشیمن و اتاق میهمان از یکدیگر مجزا نیست. لذا در جدول حاضر نوع غالب آن به تصویر کشیده شده است.

6. منظور از خانواده در دوره قدیم و میانی خانواده گسترده است که ترکیبی از سه نسل (پدر، مادر، فرزندان و همسران‌شان و فرزندان آن‌ها) می‌باشد.

فهرست منابع

- اسفنجاری کناری، عیسی. (1385)، میبد شهری که هست، ناشر: پایگاه میراث فرهنگی و گردشگری شهر تاریخی میبد. چاپ اول.
- آلتمن، ایروین. (1382)، محیط و رفتار اجتماعی، خلوت، فضای شخصی، قلمرو و ازدحام، ترجمه علی نمازیان، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- بحرینی، سید حسین؛ تاج بخش، گلناز. (1378)، مفهوم قلمرو در فضاهای شهری و نقش طراحی شهری خودی در تحقق آن، هنرهای زیبا، شماره 6، صص.18- 31.
- توسلی، محمود. (1365)، اصول و روش‌های طراحی شهری و فضاهای مسکونی در ایران، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری، وزارت مسکن و شهرسازی.
- توسلی، محمود. (1391)، ساخت شهر و معماری در اقلیم گرم و خشک ایران، چاپ و صحافی، تندیس نقره‌ای.
- چرمایف، سرج و الکساندر، کریستوفر. (1393)، عرصه‌های زندگی جمعی و زندگی خصوصی: به جانب یک معماری انسانی، ترجمه منوچهر مزینی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ چهارم.
- راپاپورت، آموس. (1389)، انسان‌شناسی مسکن، ترجمه خسرو افضلیان، نشر حرفه هنرمند، چاپ اول.
- شاهچراغی، آزاده و بندرآباد، علیرضا. (1394)، محاط در محیط، انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران، چاپ اول.
- طبیبیان، منوچهر؛ چربگو، نصیبه؛ عبدالهی مهر، انسیه. (1390)، بازتاب اصل سلسله مراتب در شهرهای ایرانی- اسلامی، آرمانشهر، شماره 7.
- علوی‌راد، علی. (1380)، طرح بهسازی بافت با ارزش روستای فهرج، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.
- عینی‌فر، علیرضا و آقالطیفی، آزاده. (1390)، مفهوم قلمرو در مجموعه‌های مسکونی: مطالعه مقایسه‌ای دو مجموعه مسکونی

در سطح و در ارتفاع تهران، هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی، شماره 47، صص 17- 28.

- عینی‌فر، علیرضا. (1379)، عوامل انسانی- محیطی موثر در طراحی مجموعه‌های مسکونی، هنرهای زیبا، شماره 8، صص 109- 118.

- کیانی، محمد یوسف. (1366)، شهرهای ایران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- لاوسون، برایان. (1391)، زبان فضا، ترجمه علیرضا عینی‌فر و فواد کریمیان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- لنگ، جان. (1386)، آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط، ترجمه علیرضا عینی‌فر، انتشارات دانشگاه تهران.

- مدنی‌پور، علی. (1387)، فضای عمومی و خصوصی شهر، ترجمه فرشاد نوریان، ناشر شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، چاپ اول.

- مهندسین مشاور کریاس بنا. (1389)، طرح توسعه و عمران (جامع) شهر عقدا (خلاصه گزارش مرحله اول و دوم)، سازمان مسکن و شهرسازی استان یزد.

- مهندسین مشاور مآب. (1380)، طرح بهسازی بافت با ارزش عقدا، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.

- Biddulph, Mike (2006), Introduction to Residential Layout, Architectural press.

- Kent, Susan (1990), Domestic Architecture and the Use of Space, Cambridge University Press.

- Porteous.J. Douglas (1977), Environment and Behavior, England: Addison Wesley.

- Zubaidi, Fuad; Santosa, Happy Ratna; Faqih, Mohammad (2013), Territoriality in the Traditional Settlement Context, Journal of Psychology and Behavioral Science, 2(3): 89-95.

- https://doi.org/10.22034//37.161.45